



شکیبا سانگه اماج

ذکیه ذکی

شیما رضائی

هنوز هم لوله ء تفنگ به جای زبان

انانیکه توان و قدرت بیان اندیشه ء خود را دارند و اندیشه های شان چون اظهرمن الشمس عاری از سوسه های شیطانی است با زبان خود منطق اندیشه های شانرا بیان میدارند ولی انانیکه وسوسه های شیطانی در اندیشه های شان رخنه نموده ، با زبان تفنگ می خواهند اندیشه های شانرا به کرسی بنشانند. فراموش نباید کرد که قضاوت مردم و تحلیل حافظهء تاریخ سیاه را سیاه و سپید را سپید می نگارد.

قتل اجمل نقشبندی خبرنگار جسور و سه بانوی پر تلاش ، مدبر و کار اگاه در عرصه ژورنالیزم ، شیما رضائی ، شکیبا سانگه اماج و ذکیه ذکی در یک سال و اند به هر انگیزهء که صورت گرفته باشد، از چشم خونپاره ء جاهلی که تحقق همه ء خواسته هایش را در کشتن ، به خون تپاندن ، به خاک و خاکستر ساختن طرف مقابلش می بیند، نشانه گرفته شده و با دستی ماشهء لعنتی تفنگ را فشار داده است که یگانه بازو ء پر قدرتش انرا تصور می کند و خود را بدین گونه به جنس مرد چسپ می زند . این هیولا های انسانما دنیا را از عینک های سیاه شان خیره تر از عقل شان می نگرند که جز زور ، تحکم جاهلانه ، تاریکی ، وحشت چیزی دیگری نمی تواند چوکات تصورات در تصویر های ذهن شانرا بسازند، این تیپ مضر دید خود را نه از حدقه های چشمان خود بلکه از نشانه گیر تفنگ می بینند و دستان شان با هیچ چیزی دیگری جز ماشه ء تفنگ راحت نیستند. برای همچون موجودات هیچ ارزشی ندارد که که نخبه گان و اهل فن ژورنالیزم با چی مشکلات به این درجه می رسند که در برابر کمره و لایت برنامه های ذوقی و تفریحی ، ادبی و فرهنگی ، سیاسی و تحلیلی را می سازند و یا از هر گوشه و کنار وطن از حال احوال وطندارش با ارایه ء گزارش های شان دیگران را در جریان قرار میدهند . ایا ائین مردانگی چنین است که چشم و زبان جامعه که همین خبرنگاران و دست اندر کاران عرصه ژورنالیزم هستند نابود شوند؟ نه هر گز نه . مگر کسانی چنین می اندیشند و چنین عمل می کنند که باور و ایمان شان وسیله ئی و به اندازه عقل ناقص شان سیاسی است . در غیر ان به جای استفاده از زبان خاکستر بار تفنگ می شود چون اولاد ادم از زبان خود برای بیان اگر چیزی بنام

اندیشه ، عقیده و یا گفتن دارند استفاده برند . هر باری که تابوت این شهیدان پاکباز جگر گوشه های عزیز به خاک سپرده می شوند، دستان زیادی با نوای ماتم باری از اه و فریاد برای خشکیدن این دستان ناپاک که با فشار دادن ماشه تفنگ دل پر از عشق و محبت را می درد و برای کور شدن چشمانی که از نشانه گیر تفنگ رخسار روشنگران عاشق را به نشانه می گیرند بلند می شوند. مگر امروز دور نیست که (آه بی کسان سخت گیرد

روان تان شاد باد راهیان آزادی اندیشه و بیان .

فضل الرحیم رحیم خبرنگار آزاد